



گفت‌وگوی «جوان» با معاون فرهنگی بسیج جامعه زنان

رفتار سلیقه‌ای در موضوع عفاف و حجاب جامعه را دچار تضاد کرده‌است

چهار دهه‌زمان کافی است تا انقلابی که بر پایه‌نظام‌های ارزشی و برای احیای دین‌مداری از سوی خود مردم شکل گرفته بود نظام ارزشی‌اش را در میان نسل‌های تازه‌تری که دوران انقلاب را ندیده‌اند و روز‌های پیش از آن را درک نکرده‌اند تعمیق و نهادینه کند. با این وجود اما با نگاهی به سطحی‌ترین لایحه‌های جامعه و برونی‌ترین نماد این ارزش‌ها که همان پوشش و حجاب است می‌توانیم در باییم در حوزه اقناع نسل جوان و تعمیق باور‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی‌مان به درستی عمل نکرده‌ایم. برون‌داد

یعنی به نظر شما افرادی که در مسیر تعادل و دین‌داری حرکت کرده‌اند هم اشتباه داشته‌اند؟ مصداقی تر بگویید.

ببینید به طور نمونه در بحث حجاب بخشی از روش‌های ما منجر به این شده تا جامعه را به سمت رنگ یا طرح واحد سوق دهیم. در حالی که اگر شما تمام ایات قرآن کریم را مورد بررسی قرار دهید و سیره معصومین(ع) را موشکافی کنید باید و نیایدی درباره یک رنگ یا یک طرح برای حجاب مواجه نمی‌شوید. اسلام توصیه به رنگ یا طرح خاصی نکرده‌است بلکه به «حد» توصیه کرده‌است. اینکه پوشش چقدر است و چه ضوابط و مشخصاتی دارد. به طور مثال بدن‌نما نبودن یا حدود گردی صورت و بیرون بودن دست‌ها و تاچ و نداشتن زیورآلات در برابر نامحرم حدود شرعی حجاب است. البته برای آقایان هم تلوياً صحبت‌هایی شده‌است. حد حجاب آن چیزی است که خداوند خواسته و باید بر اساس همین خواسته خدا نسخه پیچید اما ما این کار را نکرده‌ایم. در پی این موارد ما ذائقه‌های مختلف، شرایط سنی و شغلی افراد را در نظر نگرفته‌ایم و این موجب شده تا برخی افراد خلاف ذائقه انسانی، سیرت و فطرت خودشان عمل کنند. در برابر غفلت ما اما دشمن به خوبی نقاط ضعف ما را شناسایی کرده و در دست‌شیه یک جنگ با برنامه‌ریزی و بر اساس نقطه ضعف‌های ما عملیات ضد فرهنگی خود را طراحی کرده و تا حدودی هم به هدف رسیده‌است.

خانم حکیمیان بحث پروژه‌های جهانی ترویج فرهنگ برهنگی را در این زمینه چطور می‌بینید؟ حرکت به سمت فرهنگ برهنگی در تمام دنیا طبق چه پروتکل‌هایی اجرایی می‌شود؟

پروژه عفت‌زدایی و آلوده کردن نسل انسان به فجایع اخلاقی و رفتاری پروژه‌ای ۳۰ یا ۴۰ ساله نیست بلکه پروژه‌ای ۲۰۰ ساله‌است و پروتکل‌های ۲۴ بندی پیود اهداف مشخصی را در حوزه ترویج بی بند و باری، مشروب‌خواری، مواد مخدر و غیره پیش‌بینی کرده‌است. این پروژه جهانی‌است و با به کارگیری ابزار متنوع از جمله سینمای هالیوود در سطح جهان در حال پیاده‌سازی است. یعنی در کنار کم‌کاری‌ها و غفلت‌های داخلی اگر در سطح شهرها وضعیت پوشش زنان و مردان‌مان را متناسب با ارزش‌های ایرانی و اسلامی‌مان نمی‌بینیم به این خاطر است که ما هم یکی از قربانیان پروژه ۲۰۰ ساله پیود هستیم. این در حالی‌است که رهبر فرانزه انقلاب بحث تهاجم فرهنگی را در سال‌های ۷۰، ۷۱ مطرح کردند اما با غفلت ما این میدان یک‌طرفه دست دشمن افتاد تا حال و روز جامعه امروز ما را به شرایط فلی برساند.

با عنایت به نگاه آسیب‌شناسانه‌ای که درباره وضعیت امروز حجاب و عفاف در جامعه داشتید در برابر زنان و دختران و حتی گاهی مردانی که حدود حجاب و عفاف را رعایت نمی‌کنند باید چه عکس‌العملی اتخاذ کرد؟

کسانی که پایبند به اصول و شریعت و برآزنده فرهنگ ملی ایرانین در جامعه ظاهر نمی‌شوند را نباید به چشم متهم نگاه کرد. اینها قربانیان پروژه‌های صهیونیسم جهانی و قربانی ندانم‌کاری‌های داخلی هستند و باید به داد قربانی رسید. نگاه متهم داشتن به این افراد خطایی بزرگ است و موجب می‌شود نتوانیم تصمیم درستی بگیریم.

اینکه باید گروهی باشد که از اجرای قانون مراقبت کند حقیقتی غیر قابل انکار است اما اینکه آیا مدل و روش این گروه برای مراقبت از قانون پوشش، عفاف و حجاب در کشور و افزایش تقید به آن در ست است یا خیر موضوعی است که باید مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد تا ببینند آیا این مدل سبک و سیاق گشت ارشاد بهترین نسخه است یا خیر؟

بحث قربانی بودن این افراد را شاید هنگامی بهتر بتوان درک کرد که گاهی وقت‌ها با پوشش‌های مضحکی مواجه می‌شویم که تحت عنوان مدهای تازه به خورد جوانان ما می‌دهند و دختران و پسران ما با پوشش‌هایی همچون شلوارهای پاره تصور می‌کنند شیک پوش هستند! تحلیل شما درباره این هرج و مرج پوششی در جامعه چیست؟

به نظر من فضای کنونی جامعه ما پر از بی‌انضباطی

فضای کنونی جامعه ما پر از بی‌انضباطی اجتماعی است؛ این بی‌انضباطی هم در رفتار مردم و هم در رفتار و سبک پوشش می‌خورد. ما به غیر از اینکه بخواهیم کلمه بی‌حجابی را به کار ببریم باید بگوییم دچار نوعی بی‌انضباطی هستیم. این بی‌انضباطی پاره تصور می‌کنند شیک پوش هستند! تحلیل شما درباره این هرج و مرج پوششی در جامعه چیست؟

پروژه عفت‌زدایی و آلوده کردن نسل انسان به فجایع اخلاقی و رفتاری پروژه‌ای ۳۰ یا ۴۰ ساله نیست بلکه پروژه‌ای ۲۰۰ ساله‌است و پروتکل‌های ۲۴ بندی پیود اهداف مشخصی را در حوزه ترویج بی بند و باری، مشروب‌خواری، مواد مخدر و غیره پیش‌بینی کرده‌است. این پروژه جهانی‌است و با به کارگیری ابزار متنوع از جمله سینمای هالیوود در سطح جهان در حال پیاده‌سازی است. یعنی در کنار کم‌کاری‌ها و غفلت‌های داخلی اگر در سطح شهرها وضعیت پوشش زنان و مردان‌مان را متناسب با ارزش‌های ایرانی و اسلامی‌مان نمی‌بینیم به این خاطر است که ما هم یکی از قربانیان پروژه ۲۰۰ ساله پیود هستیم. این در حالی‌است که رهبر فرانزه انقلاب بحث تهاجم فرهنگی را در سال‌های ۷۰، ۷۱ مطرح کردند اما با غفلت ما این میدان یک‌طرفه دست دشمن افتاد تا حال و روز جامعه امروز ما را به شرایط فلی برساند.

با عنایت به نگاه آسیب‌شناسانه‌ای که درباره وضعیت امروز حجاب و عفاف در جامعه داشتید در برابر زنان و دختران و حتی گاهی مردانی که حدود حجاب و عفاف را رعایت نمی‌کنند باید چه عکس‌العملی اتخاذ کرد؟

کسانی که پایبند به اصول و شریعت و برآزنده فرهنگ ملی ایرانیان در جامعه ظاهر نمی‌شوند را نباید به چشم متهم نگاه کرد. اینها قربانیان پروژه‌های صهیونیسم جهانی و قربانی ندانم‌کاری‌های داخلی هستند و باید به داد قربانی رسید. نگاه متهم داشتن به این افراد خطایی بزرگ است و موجب می‌شود نتوانیم تصمیم درستی بگیریم.

این کارنامه نه چندان موفق خود را به شکل زنان، دختران و مردانی نشان می‌دهد که در پوشش‌شان چندان تقیدی به حدود شرعی و الهی نشان نمی‌دهند. صرف‌نظر از عمق این لایحه سطحی، انتظار می‌رفت در طول چهار دهه تلاش و دستاوردهای گوناگون و غیر قابل انکار، دغدغه موضوعات فرهنگی و ساختار اخلاقی جامعه به عنوان مسئله‌ای زیربنایی و با وجود هشدارهای چندین باره رهبر معظم انقلاب، بیش از این مورد توجه مسئولان و سیاستگذاران جامعه قرار می‌گرفت تا امروز و در دوران

بلوغ انقلاب‌مان شاهد ظهور و بروز نسلی باشیم که بی‌هیچ تردید در مسیر اعتلای ارزش‌های فردی و اجتماعی حرکت کند. به سراغ معصومه حکیمیان معاون فرهنگی بسیج جامعه زنان رفته‌ایم تا این بار حجاب را از منظر پاید‌ها و نیاید‌های برنامه‌ریزان و مسئولان مورد واکاوی قرار دهیم و به این واقعیت که شرایط عفاف و حجاب در جامعه امروز بر ونداد فرصتی ۴۰ ساله برای کار فرهنگی است که گاهی با نگاه سلیقه‌ای داخلی‌ها و گاهی با شبیخون فرهنگی خارج‌ی‌ها به اینجا رسیده‌است، نگاهی بیندازیم.

قدمت دارد و زمانی شروع شد که شبکه‌های خارجی سناریویی کاملاً علمی نوشتند تا بی‌بند و باری، معتاد کردن و... را بر اساس همان پروژه ۲۰۰ ساله برای حکومت بر جهان تدارک دیدند و از سبوی دیگر سرنگونی نظامی کسه آمده به این سسلطه جهانی نه بگوید را در دستور کار داشتند. درباره دستاوردهای انقلاب در ۴۰ سالگی خیلی‌ها حرف‌هایی داشتند اما به نظر من جای پوشش وجود دارد اما متأسفانه ما حتی حاضر نیستیم شأن و منزلت محیط‌های علمی را رعایت کنیم. مقصر این اتفاق هم مسئولان کشور هستند چرا که بحث لباس هماهنگی برای دانشجویان سال‌ها پیش مطرح شده اما هنوز به نتیجه نرسیده‌است اما در دانشگاه‌های بزرگ و معتبر دنیا برای استیپندانشجویان و کارمندان پوشش مشخصی وجود دارد که هم آنها را معرفی می‌کند و هم انضباطی را در آنها فراهم کرده‌است. ما در پوشش بسیاری از زنان و دختران و حتی مردان‌مان در سطح شهری شیک پوشی نمی‌بینیم و هیچ‌گونه تناسبی به لحاظ زیبایی، طرح و رنگ در لباس و تک‌ریم فرهنگ ملی در آنها وجود ندارد این در حالی‌است که مقام معظم رهبری اخیراً فرموده‌اند حجاب پیش از آنکه اسلامی باشد میراث ملی است و زنان ایرانین نماد پوشش و رفتار غنیف بودند و ایشان در جمعی که خمدشان رفته بودند تأکید جدی بر این وجه حجاب داشته‌اند. ما از ایرانی‌ها بدون‌ان آداب و رسوم، مرزها و پوشش‌مان را داریم و اگر نباشد یک به یک این ارزش‌های هویتی‌مان را از دست بدهیم دیگر چیزی برای‌مان باقی نمی‌ماند. پروژه صهیونیستی برای حکومت بر جهان اهداف اعتقاد و روش خودش را حاکم می‌کند چون جامعه‌ای که می‌خواهد مقتدر و با آزادی و استقلال بماند باید سه ثروت را حفظ کند؛ سلامت اخلاقی، سلامت روانی و سلامت جسمی نسل. اگر کشوری این سه عنصر را از دست بدهد استقلال و آزادی‌اش را هم از دست می‌دهد. اینها پدیده‌هایی است که نمی‌توان تنها نگاه داخلی به آن داشت و باید دشمن جهانی را شناسایی کرد.

برخی صاحب‌نظران معتقدند بخش مهمی از بدحجابی در جامعه نوعی اعتراض به وضعیت سیاسی جامعه است و زنان و دختران جوان از این مسئله به عنوان ابزاری برای ابراز نافرمانی مدنی استفاده می‌کنند. پاسخ شما به این مسئله چیست؟

این اتفاق تازه‌ای نیست و تقریباً ۳۰، ۳۵ سال بیینید عمر پلیس اخلاق در کشور ما به ۲۰ سال نمی‌رسد اما این پلیس در امریکا ۷۰ سال قدمت دارد و اسناد میرلوجی کتابی جارد بن نام «گشت ارشاد در امریکا». در این کشور بر مبنای قانون خودشان پلیس اخلاق دارند و اگر کسی خطا کند مجازات می‌شود و این مجازات‌ها سنگین تر و خشن‌تر از ایران است. بگذریم از اینکه در ۲۵ سال اخیر ده‌ها جنبش بازگشت به خویشن در امریکا شکل گرفته‌است. اینکه باید گروهی باشد که از اجرای قانون مراقبت کند حقیقتی غیر قابل انکار است اما اینکه آیا مدل و روش این گروه برای مراقبت از قانون پوشش و عفاف و حجاب در کشور و افزایش تقید به آن درست‌است یا خیر موضوعی است که باید مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد تا ببینند آیا این مدل سبک و سیاق گشت ارشاد بهتر نیست نسخه است یا خیر.

اینکه باید گروهی باشد که از اجرای قانون مراقبت کند حقیقتی غیر قابل انکار است اما اینکه آیا مدل و روش این گروه برای مراقبت از قانون پوشش، عفاف و حجاب در کشور و افزایش تقید به آن در ست است یا خیر موضوعی است که باید مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد تا ببینند آیا این مدل سبک و سیاق گشت ارشاد بهترین نسخه است یا خیر؟

بحث قربانی بودن این افراد را شاید هنگامی بهتر بتوان درک کرد که گاهی وقت‌ها با پوشش‌های مضحکی مواجه می‌شویم که تحت عنوان مدهای تازه به خورد جوانان ما می‌دهند و دختران و پسران ما با پوشش‌هایی همچون شلوارهای پاره تصور می‌کنند شیک پوش هستند! تحلیل شما درباره این هرج و مرج پوششی در جامعه چیست؟

فضای کنونی جامعه ما پر از بی‌انضباطی اجتماعی است؛ این بی‌انضباطی هم در رفتار مردم و هم در رفتار و سبک پوشش می‌خورد. ما به غیر از اینکه بخواهیم کلمه بی‌حجابی را به کار ببریم باید بگوییم دچار نوعی بی‌انضباطی هستیم. این بی‌انضباطی پاره تصور می‌کنند شیک پوش هستند! تحلیل شما درباره این هرج و مرج پوششی در جامعه چیست؟

به نظر من فضای کنونی جامعه ما پر از بی‌انضباطی



مریم زاهدی

جای خالی عفاف و حجاب در شاخص‌های عدالت جنسیتی

شاید همان تنها جلسه ستاد ملی زن و خانواده و صحبت رئیس‌جمهور درباره تعیین شاخص‌های عدالت جنسیتی بر مبنای شاخص‌های جهانی کافی بود تا دستمان بیاید قرار نیست شاخص‌های عدالت جنسیتی تعیین شده چندان با مسائل معنوی و ارزش‌های ایرانی اسلامی گره بخورد. حالا این شاخص‌ها برای اجرا به دستگاه‌ها ابلاغ شده‌است. با نگاهی به شاخص‌های عدالت جنسیتی ابلاغی از سوی دبیر خانه ستاد ملی زن و خانواده که همان معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری است می‌توان به روشنی دریافت چرا این شاخص‌ها از مسیر اصلی تعیین شده یعنی ستاد ملی زن و خانواده عبور نکرده‌اند. یکی از ایرادات مهم وارد به این شاخص‌ها لزوم برقراری ارتباط مفهومی شاخص‌ها با مصادیق است. بر این اساس شاخص، معرف بررسی تغییرات یک پدیده است که به کمک آن نسبت به هدف مطلوب مرتبط با آن پدیده، سنجش و ارزیابی امکان‌پذیر می‌شود. لذا برای تهیه شاخص، باید هدف مورد نظر، اجزای آن و ارتباطات درونی و برونی آن با شاخص مشخص شود. در تعیین شاخص‌های عدالت جنسیتی نیز لازم است که هدف آرمانی در هر یک از شاخص‌های کلان یا مؤلفه‌های اصلی مشخص شود و بر اساس آنها زیرشاخص‌ها تعیین شوند. به عنوان مثال در محور مشارکت سیاسی صرفاً دو مؤلفه اصلی «مشارکت زنان در انتخابات» و «مشارکت زنان در تصمیم‌گیری و مدیریت» آورده شده که ذیل آن فقط نسبت و درصد زنان در سطوح مدیریتی، مقامات، هیئت‌رئیسه مجلس، هیئت‌رئیسه شوراهای اسلامی شهر و روستا و هیئت‌رئیسه احزاب و تشکل‌ها به عنوان شاخص مشخص شده‌است. نکته مهم و قابل تأمل آن است که مفهوم مشارکت سیاسی بانوان در جمهوری اسلامی ایران لزوماً با دیگر کشورها منطبق نیست و بر اساس مؤلفه‌های بومی خود ما تعریف می‌شود اما تفاوت‌ها در تعیین این شاخص در نظر گرفته نشده‌است.

طبیعتاً مشارکت سیاسی بانوان در پیروزی انقلاب، دوران جنگ و فرا‌زهای سرنوشت‌ساز تاریخ ۴۰ساله جمهوری اسلامی محدود به نمایندگی در شوراها و مجلس، عضویت در هیئت‌رئیسه‌های مختلف و پست‌های مدیریتی نبوده‌است و اساساً این موضوع هدف اصلی و مطلوب در نظام اسلامی نبوده‌و نیست. متقابلاً آمار مابراین شهید، همسران جانبازان، حضور در راهپیمایی‌ها، نهادهای انقلابی، اعلام مواضع استیکار ستنیزه زنان و حمایت از زنان و کودکان مظلوم جهان، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشارکت سیاسی زنان در ایران تلقی می‌شوند که به جهت عدم تبیین مفهومی محور مورد مطالعه اساساً انعکاسی در شاخص‌ها پیدا نکرده‌است.

در همین مضمون، در محور اصلی آموزش و پژوهش که آمارهای تحصیلی دانش‌آموزان و دانش‌جوین مورد توجه قرار گرفته‌است، اساساً هیچ ردیابی از مؤلفه اصلی «پرورش» یا فعالیت‌های تربیتی دیده نمی‌شود تا برای آن اساسی نبوده‌و نیست. متقابلاً آمار مابراین شهید، همسران جانبازان، حضور در راهپیمایی‌ها، نهادهای انقلابی، اعلام مواضع استیکار ستنیزه زنان و حمایت از زنان و کودکان مظلوم جهان، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشارکت سیاسی زنان در ایران تلقی می‌شوند که به جهت عدم تبیین مفهومی محور مورد مطالعه اساساً انعکاسی در شاخص‌ها پیدا نکرده‌است.



یکانه شریعت

فوتبال زنان در زمین مردانه!

کمتر کسی این سؤال را می‌پرسد که چرا زنان برای تماشای مسابقات ورزشی زنان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند؛ جایی که نه ممنوعیتی وجود دارد و نه هیچ ملاحظه‌ای و تاکنون شنیده نشده‌برای مهم‌ترین مسابقات رزمی زنان هم اورژانس در حالت آمادگی درمیاد! اقبال نشان ندانن به تماشای مسابقاتی همچون فوتبال زنان اما در کشورهای اروپایی و مهدفمینسم جهان انگار چندان طرفداری ندارد این مسئله‌ای است که در جام جهانی ۲۰۱۹ فوتبال زنان در فرانسه مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته‌است. دویچه‌وله به عنوان یکی از رسانه‌های حامی فمینیسم و برابری زنان و مردان در گزارشی در این رابطه می‌نویسد: «فوتبال دوستی که به تماشای فوتبال زنان می‌نشیند، متوجه می‌شود که بازی زنان کندتر از بازی مردان است و شوت‌هایی که زنان می‌زنند، کم‌قدرت‌تر از شوت‌های مردان است... چارلین هارتمن، بازیکن دفاعی تیم زنان افث کلن آلان اذعان می‌کند که فوتبال زنان اساساً کندتر از فوتبال مردان است...» این رسانه در ادامه این گزارش با اشاره به تفاوت‌های روشن بیولوژیکی زنان و مردان، به سخنان پروفیسور هانس یورگن یرتسوکر، پزشک ورزشی و استاد دانشگاه استناد می‌کند و به نقل از اول می‌نویسد: «زنان هر اندازه هم سخت‌تمرین کنند، هرگز نمی‌توانند تفاوت نیروی بیولوژیک با مردان را جبران کنند.»

به گفته این پزشک ورزشی، این واقعیتی بیولوژیک است که حجم قلب زنان، میزان ماهیچه‌های آنان و حجم خون آنان، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کمتر از مردان است. بنابراین باید این تفاوت را در نظر گرفت و حوزه ورزش زنان را جداگانه بررسی کرد.

بررسی جداگانه ورزش زنان و مردان خوداعترافی به اشتباه بودن شعارهای برابری جنسیتی و مقایسه زنان با مردان در تمامی امور و مسائل است.

زن و مرد جدا از بحث انسان بودن در حوزه خلقت و مسائل بیولوژیکی تفاوت‌هایی اساسی دارند و صرفاً نمی‌توان طبق شعارهای فمینیستی مدعی شد تفاوت در جامعه‌پذیری است که زنان را زن و مردان را مرد کرده‌است.

بر خلاف شعارهای فمینیستی ارتقای جایگاه زنان یا «هرچه شنیدنشان امکان‌پذیر نیست، جایگاه و توانایی یک زن باید با جایگاه و توانایی زنان مقایسه و برای تعالی این جایگاه برنامه‌ریزی شود. به همین خاطر است که فوتبال زنان چندان جذاب نیست حتی برای زنانی که تصور می‌کنند باید مانند مرد‌ها فوتبال بازی کنند!